

قلمرو دموکراسی در زمان و مکان

احمد ساجدی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

ahmadsajedi@yahoo.com

چکیده:

دموکراسی یا مردم سالاری ، اعمال حکومت توسط مردم بر مردم است و نتیجه آن نفی شخص پرستی ، استبداد و سلطنت است و در این راستا حکومت شوندگان صلاحیت و اقتدارات خود را در امر حکومتداری به حکومت کنندگان تفویض می کنند. این مفهومی است که در جوامع کنونی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و اکثر دولت کشورهای حاضر ، رسالت اصلی خود را در ایجاد دموکراسی در جهت خدمات عمومی و تامین منفعت و سود عمومی می دانند. مع الوصف دموکراسی دارای ارکان اساسی همچون حقوق بشر ، آزادی های عمومی و... می باشد که این ارکان مهم ترجمان حکومت مردم سالار است. این واژه اساسی و بنیادین ، مفهومی زمانی و مکانی دارد و این حالت در نتیجه رسالت اصلی دولت ها که همان تامین منفعت عمومی است ، می باشد و با دیدی گسترده تر می بینیم که منفعت عمومی در زمان و مکان دچار تغییر و تحول است. بنابراین واژه دموکراسی در انحصار و جولانگاه زمان و مکان می باشد و در این مسیر با چالش ها و ناهمواری هایی روبه رو می شود. در مقاله حاضر سعی بر این شده است که تاریخچه مفهوم دموکراسی و ارکان آن تبیین شود و به بررسی دموکراسی در تحدید زمان و مکان پرداخته شود.

واژگان کلیدی: دموکراسی، حکومت، حقوق بشر، ارکان دموکراسی، منفعت عمومی.

Scope of Democracy in Time and Place

Ahmad Sajedi

Abstract:

Democracy is applying government by people on themselves and the result is rejection monarchy, despotism and reigning. On this way obedient hands over the authority and powers in governing to sovereign. This concept is excessively considered by the modern states and most of current state-government, known their main prophecy is to establishing democracy in way of public services and securing benefits. Nevertheless, democracy has main pillars such as human rights, public liberty and etc, this important pillars interprets democratic government. This basic and fundamental term has a chronological and local purpose and this condition is result of main governments prophecy; this is securing public benefits. And with wider view we see that public benefits is subordinated to change in time and place. Therefore term of democracy is exclusively in bound of time and place and on this way democracy is encountered with challenges and unevenness. This present article tries to make clear history of democracy word and its elements, and to study democracy in limitation of time and place.

Key words: democracy, government, human rights, pillars of democracy, public benefits.

مقدمه

بشر ذاتاً میل به تحول و پویایی دارد و شاهد این پویایی در ابتدایی‌ترین جوامع بشری از دیرباز تاکنون هستیم. در کنار این میل به تحول، آزادی به عنوان یک حق فطری برای تمامی افراد شناخته شده است. همین امر باعث حرکت حکومت شونده‌گان به سمت و سوی احقاق حقوق خود در جوامع بشری گردید که حاصل آن ایجاد حق حکومت برای مردم شد و افراد جامعه با پذیرش و باور اینکه قدرت حکومت از خودشان است، برای ورود به حکومت‌داری اقدام کردند. با گسترش جوامع بشری حقوق و آزادی‌های افراد بیش از قبل مورد توجه واقع شد. البته این حقوق و آزادی‌ها ریشه در فطرت انسان‌ها دارند که کرامت انسانی و ارزش بشری هستند. توجه به این حقوق فطری تا جایی حرکت نموده است که اگر در قانون اساسی یک کشور حقوق و آزادی‌های افراد تامین نشود، می‌توان این قانون اساسی را غیردموکراتیک نامید. اهمیتی که موضوع زمان و مکان در دموکراسی دارد بسیار زیاد است تا جایی که ممکن است معیارهای کشورهای دموکراتیک را تحت‌الشعاع قرار دهد.

هدف این پژوهش بررسی و پرداختن به نقش زمان و مکان در دموکراسی است و به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که با توجه به زمان و مکان دموکراسی ممکن است حتی با تعاریفی متفاوت از تعریفی که یک کشور خاص از آن دارد، مطرح شود.

مفهوم دموکراسی و انواع آن

دموکراسی از 2 واژه یونانی مردم و حکومت تشکیل شده است و به معنای حکومت مردم بر مردم است. نکته مهم این است که باید در رابطه با نوع دموکراسی ابتدایی در جوامع بشری و دموکراسی امروزی تفاوت قایل شد. در گذشته با وجود حرکت جوامع به سوی مردم-سالاری باز هم بسیاری از حقوق و آزادی‌های افراد نادیده گرفته می‌شد؛ از جهتی دیگر در جوامع ابتدایی منظور از دموکراسی گرد هم آمدن افراد جامعه برای وضع قانون و اتخاذ تصمیم برای حکومت بود (که همان شکل اولیه دموکراسی تلقی می‌شود) برخلاف جوامع مدرن که دموکراسی اولاً دارای ارکان و شاخصه‌هایی از رعایت حقوق افراد جامعه است، که نشان‌دهنده دموکراتیک بودن حکومت است و ثانیاً اینکه در جوامع کنونی اتخاذ تصمیم با جمع شدن عده‌ای از افراد برای اتخاذ تصمیم در مرکز شهر یا در محل خاصینه دموکراسی تلقی می‌شود و نه چنین حالتی قابل تصور است. پس با دو نوع دموکراسی روبه‌رو می‌شویم؛ اول دموکراسی مستقیم که همان شکل اولیه حکومت مردم بر مردم است و دوم دموکراسی غیرمستقیم که از طریق مشارکت شهروندان در انتخاب افرادی که از طرف آن‌ها مجاز به اعمال حاکمیت هستند، اعمال می‌شود. پس "نظریه‌های مربوط به دموکراسی‌های مستقیم یا خالص جای خود را به نظریه‌های نوینی درباره دموکراسی‌های نماینده‌سالار غیرمستقیم یا بر اساس اصل نمایندگی می‌دهند، در عمل نیز نمایندگان رعایا یا شهروندان (مثلاً انگلستان) انتخاب شدند تا سهمی از قدرت سلطان را نظیر تصویب مالیات، وضع قانون نظارت بر عملکرد ماموران اجرایی از آن خود کنند" (قاضی، 1370). می‌توانیم بگوییم "برای زندگی در یک دولت دموکراتیک باید در جامعه‌ای زندگی کرد که (ما مردم) خودمان حکومت می‌کنیم وجود داشته باشد." (Post, 2000) در این مقاله به ذکر همین دو نوع اصلی از اقسام دموکراسی بسنده می‌کنیم.

اما یکی از رسالت‌های اصلی دولت‌ها در بحث دموکراسی تامین منفعت عمومی است که "غایت تمام اعمال زمامداران و مقامات اداری برآوردن سود عمومی است" (گرچی از ندریانی، 1390) و همان چیزی را منفعت عمومی می‌دانیم که برای عموم جامعه دارای سود باشد. "دموکراسی عبارت است از حکومت مردم بر مردم برای برآوردن خیر مشترک." (همان)

ارکان دموکراسی

برای به وجود آمدن دموکراسی در جوامع کنونی و با مفهوم امروزی دموکراسی باید دارای یکسری شرایط و ارکان باشد که در اینجا به ذکر چند مورد می‌پردازیم. مهمترین رکن در به وجود آمدن دموکراسی وجود حقوق و آزادی‌های فردی است که این حقوق ریشه در فطرت انسان دارد و به عبارتی اگر این حقوق وجود نداشته باشد، هرگز جای تصور حکومت مردم‌سالار وجود نخواهد داشت مثل آزادی بیان و مهم‌تر از همه وجود حق سیاسی برای افراد است. از دیگر ارکان دموکراسی بحث مشارکت عمومی افراد مطرح است که بیانگر مشارکت سیاسی افراد در حکومت کردن جامعه است. این مشارکت سیاسی که قبلاً توسط ایجاد حق سیاسی برای افراد به وجود آمده، هم‌اکنون نقش خود را با مشارکت سیاسی بازی می‌کند. این مشارکت سیاسی با هر دو حالت دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم قابل تصور است، چه

شهروندان مذکر یک کشور گرد هم آیند و در امور حکومتی مشارکت کنند و چه در حالت کنونی جوامع امروزی که با انتخابات مشارکت سیاسی انجام می‌گیرد و ذکر این نکته لازم است یادآور شویم که مشارکت سیاسی افراد جامعه از طریق انتخابات انجام نمی‌گیرد بلکه ممکن است گاهی اوقات با اعتراض و اعتصاب نیز این مشارکت سیاسی انجام پذیرد. پس نقش افکار عمومی را نیز نباید نادیده گرفت. از دیگر ارکان دموکراسی وجود قانون اساسی است که به عبارتی تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و همچنین تنظیم‌کننده روابط بین حاکمان و فرمانبران است، در قانون اساسی است که مشخص می‌کند افراد جامعه از چه حقوق تضمین شده‌ای بهره‌مند هستند، مثلاً حقی که درباره انتخابات و مشارکت سیاسی به افراد جامعه داده شده است. البته تفاوتی بین قانون اساسی مدون و غیرمدون از حیث معیار دموکراتیک بودن جامعه وجود ندارد. رکن دیگر جامعه مردم‌سالار برتری نظر اکثریت و احترام بر اقلیت است که نشان‌دهنده ورود افراد جامعه به مشارکت سیاسی و پس از آن ارجحیت نظر اکثریت به عنوان نظر راهگشا و نظر نهایی و در عین حال احترام به عقاید و اهداف افرادی که به نوعی در اقلیت بوده‌اند. رکن دیگر دموکراسی حقوق بشر است که هدف اصلی آن حفظ و پاسداشت کرامت انسانی است. کرامت انسانی ارزشی است که در حقوق فطری انسان به‌وجود می‌آید. در جوامع مردم‌سالار هدف حفظ کرامت انسانی افراد جامعه است. این حقوق مثل حق بر صلح، حق آزادی، حق اقتصادی، حق فرهنگی و ... می‌باشد. در هر جامعه‌ای که حقوق بشر بیشتر مورد توجه قرار گیرد و معیارهای آن در جامعه نمود بیشتری یابد، این جوامع از لحاظ دموکراسی در سطح بالاتری قرار دارند. این امر مورد پذیرش واقع شده‌است؛ جوامعی که حقوق بشر را نادیده می‌گیرند از خصلت دموکراتیک بودن خارج هستند.

ارکان دیگری نیز برای دموکراسی قابل تصور است همچون تفکیک قوا، اصل مسئولیت‌پذیری و... که به نظر نویسنده موارد مذکور به عنوان ارکان مردم‌سالاری در این مقاله کفایت می‌کند.

دموکراسی در زمان و مکان

با توجه به مفهوم و خصوصیت اصلی دموکراسی که حکومت مردم بر مردم براساس قانون اساسی مردم‌سالار است، نباید نقشی که زمان و مکان در دموکراسی دارد را نادیده گرفت و به عبارتی می‌بایست دموکراسی را مفهومی در قید و بند زمان و مکان دانست که کاملاً تحت تاثیر این دو واژه معنا پیدا می‌کند. برای مثال در کشورهایی به وضوح دیده‌ایم که مواردی را تحت عنوان آزادی، در عصر حاضر به عنوان دموکراسی تلقی می‌کنند در حالی که در گذشته و تنها در قید زمان و همین موضوع تحت عنوان آزادی نه تنها معیار دموکراسی شناخته نمی‌شد بلکه گاهاً موجب اشد مجازات نیز می‌گردید.

علاوه بر این شاهد سیر دموکراسی و تحول و افزایش حقوق و آزادی‌های فردی تحت واژه دموکراسی در زمان بوده‌ایم که می‌توانیم زمان را به جاده‌ای تشبیه کنیم در دموکراسی در آن به حرکت در می‌آید و هرچه جوامع توسعه‌یافته‌تر باشند، مرکب سریع‌تری برای حرکت به سوی مقصد در اختیار خواهند داشت. جوامع با عبور از این جاده زمان است که دموکراسی را لمس می‌کنند و برای بالابردن سطح آن در جامعه خود حرکت می‌کنند.

در دیدی دیگر دموکراسی در بستر مکان مفهوم خاص خود را می‌یابد. بدین منظور باید واژه دموکراسی را یک معنای مقید در مکان بدانیم زیرا با این‌که مردم‌سالاری در حال حرکت به سوی ارتقا و بهبودی در زمان است اما این حرکت در یک جامعه با جامعه دیگر کاملاً متفاوت است. این بستر مکانی یا همان محدوده جغرافیایی حاکمیت است که تحول دموکراسی را نشان می‌دهد و تنها گذشت زمان برای به‌وجود آمدن دموکراسی کافی نیست بلکه باید دموکراسی را در مفهومی سرزمینی تفسیر کنیم و در این راستا هر کشور و هر جامعه‌ای دارای نوعی دموکراسی است که این امر تحت تاثیر بسیار فرهنگ و مذهب و دیدگاه فکری افراد جامعه قرار دارد. برای مثال ممکن است در یک کشور امری به عنوان شاخصه دموکراسی باشد ولی در جامعه‌ای دیگر این امر با توجه به عدم پذیرش عموم جامعه دموکراسی تلقی نشود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده ، شناخت دموکراسی و معیارهای دموکراتیک جوامع را باید در زمان و مکانی که در حال اعمال دموکراسی هست بررسی کنیم و دموکراسی را مفهومی بدانیم که کاملاً در ید تغییر و تحول در بعد زمان و مکان می‌باشد . همچنین نقشی که فرهنگ و افکار عمومی جامعه و پذیرش از طرف آن‌ها بازی می‌کند را در اثبات مفهوم دموکراسی نباید نادیده بگیریم. پس برای تفسیر و شناخت معیار دموکراتیک بودن جوامع باید همزمان دو قید مهم زمانی و مکانی را در مفهوم مردم‌سالاری بررسی کنیم و جوامع را از حیث دموکراتیک بودن این‌گونه مورد قضاوت قرار دهیم.

منابع

- قاضی ابوالفضل ، 1370 ، حقوق اساسی و هادهای سیاسی ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران
- گرجی ازندریانی علی اکبر ، ده فرمان حقوق عمومی: تاملی درباره اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی ، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، دوره 41 ، شماره 2 ، تابستان 1390 ، ص 205-223
- Post , Robert,2000, Digniyy, Autonomy and democracy,institute of governmental studies uc Berkely , working paper 2000 , 11